

طرح خاورمیانه بزرگ، غرب و کشورهای مسلمان (زمینه‌ها، چیستی و پیامدها)

مرتضی شیرودی*

چکیده

کوتاه زمانی است که واژه و اصطلاح طرح خاورمیانه بزرگ به عرصه واژگان علوم سیاسی وارد شده است. از این رو از طرح خاورمیانه بزرگ در فرهنگ‌نامه‌های علوم سیاسی خبری نیست. از آن جا که آمریکا و متحدان اروپایی‌اش ارائه‌دهنده این طرح‌اند، تلاش‌های غربی فراوانی برای تحقق بخشی به آن صورت گرفته و به سخنی رایج در عرصه دیپلماسی و رسانه‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده است. با وجود این، هنوز مفهوم روشنی از طرح خاورمیانه بزرگ در دست نیست و تنها کلیاتی از آن ارائه می‌شود؛ پس طبیعی خواهد بود که سؤال از چیستی طرح خاورمیانه بزرگ، دغدغه‌ای برای ذهن‌های کنجکاو باشد. مقاله حاضر در پی آن است برای چیستی این طرح و سؤالات پیرامون آن، پاسخی بیابد.

کلید واژه‌ها: اسلام، کشورهای مسلمان، خاورمیانه، آمریکا، اسرائیل، دموکراسی و آزادی.

مقدمه

در تلاش برای یافتن پاسخی به سؤال اصلی این مقاله، نخست از تاریخچه واژه و اصطلاح خاورمیانه و از محدوده جغرافیایی و از مفهوم سیاسی گذشته و جدید آن سخن می‌رود، سپس از بخش‌های مهم و اساسی طرح خاورمیانه بزرگ به همان‌گونه که در طرح غربی آن آمده، گفت‌وگو می‌شود. آشنایی با مفروضه‌هایی که طرح خاورمیانه بزرگ را بر آن، نهاده‌اند، و نیز، هدف‌های غربی اجرای طرح، تصویر روشن‌تری از ماهیت آن به منظور پاسخیابی به چیستی این پدیده، فراهم می‌کند. این طرح می‌تواند موانع و مزایایی هم، برای کشورهای مسلمان و رژیم صهیونیستی بیافریند که این موانع و مزایا، مواضع کشورهای بالا را نسبت به آن، رقم می‌زند، و سرانجام آن‌که، طرح خاورمیانه بزرگ با تناقضات و ابهامات بسیاری مواجه است که اجرای موفقیت‌آمیز آن را با مشکل روبه‌رو ساخته و می‌سازد.

*- عضو هیأت علمی - پژوهشی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و مدرس دانشگاه، محقق و نویسنده.

خاورمیانه بزرگ، محدوده جغرافیایی

واژه خاورمیانه نخستین بار در ۱۹۰۲ / ۱۲۸۱ توسط یک آمریکایی به نام «آلفرد تایرماهان» برای توصیف منطقه بین خاور دور (هندوستان و قلمرو انگلیس و ماورای آن) و خاور نزدیک (قلمرو امپراتوری عثمانی) به کار رفت. وی این پیشنهاد را طی مقاله‌ای در مورد دشواری‌های خلیج فارس برای انگلیس در نشریه «نشنال ریویو» مطرح کرد. اندکی بعد، این واژه از سوی روزنامه تایمز لندن و سپس در مکاتبات رسمی دولت انگلیس، و آن گاه توسط دولت‌های انگلیس و آمریکا در جنگ جهانی اول و دوم، مورد استفاده قرار گرفت. تأسیس اسرائیل غاصب در خاورمیانه و نیز آغاز و تداوم جنگ‌های متعدد اعراب و رژیم صهیونیستی و افزایش اهمیت جهانی نفت منطقه خاورمیانه، باعث کاربرد گسترده‌تر این واژه شد (شیرودی، ۱۳۸۳: ۱۴).

واژه خاورمیانه در یکی از محدودترین تعریف‌ها، به منطقه نفوذ انگلیس در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم، یعنی به فلسطین و ماورای اردن و عراق اطلاق می‌شد (خاورمیانه کوچک) اما بعدها، خاورمیانه تعداد بیشتری از کشورها را در بر گرفت. این کشورها شامل ایران، ترکیه، اردن، مصر، قبرس، شبه جزیره عربستان، پاکستان، افغانستان، عراق، فلسطین، سوریه، لبنان و سودان است (خاورمیانه میانی) (علی بابایی، ۱۳۸۰: ۱۲/۱). در سال‌های اخیر، واژه «خاورمیانه بزرگ» به عرصه واژگانی علوم سیاسی وارد شد که زمینه‌های آن پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ فراهم آمده است.

از جمله: "کالین پاول" وزیر خارجه وقت آمریکا در سال ۲۰۰۲ / ۱۳۸۱ در سخنرانی خود در بنیاد هرتیج، برای نخستین بار و به طور رسمی، طرح این کشور برای خاورمیانه را مبنی بر اصلاحات سیاسی، اقتصادی و آموزشی اعلام کرد. "جرج بوش پسر" در سال ۲۰۰۳ / ۱۳۸۲، اندکی پیش از تهاجم نظامی به عراق، طی سخنانی در انستیتوی آمریکایی اینترپرایز، عزم خود مبنی بر استقرار ارزش‌های دموکراتیک در خاورمیانه را ابراز داشت، و اندکی بعد، در جهت عملیاتی کردن ارزش‌های مورد نظر خود، پیشنهاد ایجاد منطقه مبادله آزاد میان آمریکا و خاورمیانه تا ده سال آینده را ارائه داد. «دیک چینی» معاون رییس جمهور آمریکا در همین سال و در مجمع جهانی اقتصاد، صراحتاً سیاست رسمی دولت آمریکا مبنی بر دموکراتیک ساختن خاورمیانه را بیان داشت. روزنامه عرب زبان «الحیات» در سال ۲۰۰۴ / ۱۳۸۳، مفاد سند اجرایی طرح خاورمیانه بزرگ را که از سوی آمریکا برای طرح در نشست سران گروه هشت^۱ در سی‌آیلند جورجیای آمریکا ارائه شده بود، منتشر ساخت.

۱- مراد از گروه هشت، اتحادیه هشت کشور صنعتی جهان است.

این طرح دارای ابعاد جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و... است. در بعد جغرافیایی، خاورمیانه بزرگ علاوه بر کشورهایی که قبل از آن در خاورمیانه (میانی) قرار می‌گرفتند، شامل کشورهای آسیای میانه چون ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان و کشورهای حوزه قفقاز و ماورای آن، یعنی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان هم می‌شود. خاورمیانه بزرگ در ابعاد سیاسی، فرهنگی و... را در مبحث زیرین پی می‌گیریم:

محتوای طرح خاورمیانه بزرگ

محتوای طرحی که خاورمیانه بزرگ نامیده می‌شود، مؤلفه‌های زیر را در بر دارد:

طرح مسئله: به اعتقاد غرب، کاستی‌های سه‌گانه‌ای که در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد طی سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳/۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ آمده است، یعنی فقدان آزادی، سطح نازل دانش و جایگاه نامناسب زنان در کشورهای خاورمیانه، می‌تواند به عواقبی منجر شود که حتی منافع ملی هر یک از کشورهای عضو گروه هشت را نیز تهدید کند. به بیان دیگر، غربی‌ها معتقدند: مادام که تعداد افراد محروم از حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در خاورمیانه زیاد باشد، جهان شاهد افزایش روند افراط‌گرایی، تروریسم و جرایم بین‌المللی و مهاجرت غیرقانونی خواهد بود. آمار موجود که وضعیت کنونی خاورمیانه بزرگ را توصیف می‌کند، در باور غربی‌ها وحشتناک است (وعیدی، ۱۳۸۳: ۱۶)، از جمله:

جمع کل در آمد داخلی کشورهای بیست و دوگانه عضو اتحادیه عرب کمتر از درآمد اسپانیا است. حدود چهار درصد اعراب بالای هیجده سال، یعنی ۶۵ میلیون نفر، بی‌سوادند و زنان یک سوم این تعداد را تشکیل می‌دهند. با ورود به سال ۲۰۱۰ / ۱۳۸۹ بیش از پنج میلیون جوان وارد بازار کار کشورهای عربی می‌شوند و با ورود به سال ۲۰۲۰ / ۱۳۹۹ این تعداد به ده میلیون می‌رسد. از این رو، باید دست کم شش میلیون شغل جدید ایجاد شود، تا کشورهای عرب بتوانند این افراد تازه وارد را جذب کنند، اما اگر میزان بیکاری در همین سطح باشد، تا سال ۲۰۳۰ / ۱۳۸۹ شمار بیکاران به ۲۵ میلیون نفر بالغ خواهد شد. یک سوم از افراد منطقه با درآمد کمتر از دو دلار در روز، زندگی می‌کنند. برای بهبود شرایط زندگی در این منطقه، باید توسعه اقتصادی به دو برابر رشد کنونی برسد. در حال حاضر، این رشد، معادل سه درصد است و باید حداقل به شش درصد ترقی کند. تنها ۶/۱ درصد از مردم می‌توانند از اینترنت استفاده کنند. این رقم بسیار پایین‌تر از هر جای دیگری در جهان حتی کشورهای جنوب آفریقا است. زنان تقریباً ۵/۳ درصد از کرسی‌های پارلمان عرب را در اختیار دارند.

یک مقایسه ساده نشان می‌دهد که برای مثال این میزان در کشورهای جنوب آفریقا، ۴/۸ درصد است. حدود ۵۱ درصد از جوانان عرب تمایل دارند به سایر کشورها مهاجرت کنند. این مسئله را گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ نشان می‌دهد. بهترین مقصد برای این جوانان کشورهای اروپایی است. (پاییز خطرناک...، ۱۳۸۰: ۱۴۱، به نقل از: محمدحسین هیکل، ماه نامه جهات نظر، شماره ۳۲، ص ۱۱).

از نظر غرب، آمار یاد شده نشان می‌دهد که این منطقه در معرض دو راهی قرار گرفته و این آمار در حال رشد است، به گونه‌ای که در هر سال به تعداد جوانانی افزوده می‌شود که نیازمند سطح شایسته‌ای از زندگی، کار و آموزش هستند و از حقوق سیاسی خود محروم‌اند. این مسئله، تهدیدی مستقیم برای ثبات منطقه و منافع مشترک اعضای گروه هشت خواهد بود. کشورهای صنعتی اصلاحات را بهترین راه حل برای درمان مسائل منطقه خاورمیانه می‌دانند و گزارش توسعه انسانی اعراب را بهانه مناسبی برای طرح خاورمیانه بزرگ تلقی کرده‌اند. بهانه‌ای که گاه برخی فعالان، دانشگاهیان و بخش خصوصی منطقه که متمایل به غرب‌اند، مطرح کرده‌اند.

البته بعضی از رهبران کشورهای خاورمیانه، عملاً به آن چه مفاد طرح خاورمیانه بزرگ به دنبال آن است، پاسخ مثبت داده و گام‌هایی را در جهت اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برداشته‌اند. کشورهای عضو گروه هشت نیز به نوبه خود این تلاش را تأیید کرده و با پیشنهادهای خاص خود خواستار اصلاحات در منطقه خاورمیانه شده‌اند. طرح مشارکت اروپا و خاورمیانه و طرح مشارکت آمریکا و خاورمیانه و تلاش‌های چند جانبه برای بازسازی افغانستان و عراق، اشتیاق گروه هشت را برای انجام اصلاحات در منطقه آشکار ساخت (رویکرد مشترک...، ۱۳۸۳: ۷۸).

به هر روی، اولویت‌های طرح خاورمیانه بزرگ عبارت است از: اول: منطقه به سوی دموکراسی غرب‌گرایانه ترغیب شود. دوم: جوامع فرهیخته؟! در منطقه تأسیس گردد. سوم: فرصت‌های اقتصادی به سبک غرب توسعه یابد. این اولویت‌ها، راهی است به سوی توسعه غربی منطقه، زیرا دموکراسی، چارچوبی است که توسعه سرمایه‌داری در درون آن تحقق پیدا می‌کند. افرادی که از آموزش‌های دلخواه کاپیتالیسم برخوردار باشند، ابزارهای توسعه بورژوازی هستند و طرح توسعه فرصت‌های اقتصادی بانک جهانی، ماشین توسعه به حساب می‌آیند. توضیح هر یک از اولویت‌های یاد شده به این شرح است:

تشویق به تأسیس دموکراسی غرب‌مدار: در گزارش توسعه انسانی سال ۱۳۸۱ / ۲۰۰۲ اعراب آمده است: "از نظر سطح مشارکت، فاصله بزرگی بین کشورهای عربی و سایر مناطق جهان وجود

دارد. این کاستی در سطح آزادی دو چندان است که آن، یکی از جلوه‌های دردمندتر عقب‌ماندگی توسعه سیاسی محسوب می‌شود، لذا، غرب و غرب‌گراها، دموکراسی و آزادی را برای شکوفایی فردی و جمعی کشورهای فوق، لازم می‌دانند؛ پدیده‌ای که آن را تا حدود زیادی در سراسر کشورهای خاورمیانه بزرگ، نایاب می‌بینند. در گزارش سال ۲۰۰۳ / ۱۳۸۲، تنها اسرائیل در خاورمیانه بزرگ آزاد توصیف شده، و نیز، چهار کشور دیگر، تا حدودی آزاد توصیف شده‌اند. گزارش توسعه انسانی کشورهای عرب نشان داده که در اواخر دهه ۱۹۹۰/۱۳۷۰ از بین هفت منطقه در جهان، کشورهای عرب مسلمان در کمترین سطح از آزادی قرار دارند. گزارش یاد شده با جدول‌هایی نشان داده که آزادی بیان و پاسخ‌گویی در کشورهای عربی مسلمان در مقایسه با سایر کشورهای جهان در پایین‌ترین سطح قرار دارد» (همان).

علاوه بر این، جهان عرب از نظر جایگاه زنان، تنها بر کشورهای جنوب صحرای بزرگ آفریقا رجحان دارد. این نشانه‌ها، با تمایلات ساکنان این منطقه، هماهنگی ندارد. به عنوان مثال، در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳ / ۱۳۸۲ اعراب، ساکنان این کشورها در صدر فهرست کسانی قرار دارند که در سراسر جهان می‌گویند: دموکراسی بهتر از هر نو دیگر حکومت است. نیز بالاترین حد از عدم پذیرش حکومت‌های استبدادی را ابراز کرده‌اند. کشورهای عضو گروه هشت با استناد به آمار و ارقام یاد شده، به نحوی که در سطور آتی مشاهده می‌شود، از اصلاحات دموکراتیک در این منطقه حمایت می‌کنند:

۱ - چند کشور در خاورمیانه بزرگ اعلام کرده‌اند،^۱ که طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ / ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ قصد دارند چند انتخابات را در سطوح ریاست جمهوری، پارلمان و شوراهای محلی برگزار کنند. به منظور همکاری با کشورهایی که آمادگی جدی برای اجرای انتخابات آزاد و منصفانه به تعبیر غرب داشته باشند، گروه هشت می‌تواند با ابتکار عمل خاص خود کمک‌هایی را برای مرحله پیش از انتخابات ارائه دهد. از جمله:

* ارائه کمک‌های فنی از طریق تبادل دیدارها یا فراخوان برای تأسیس یا تقویت کمیته‌های مستقل انتخابات به منظور نظارت و پاسخ‌گویی به شکایات و تحویل گرفتن گزارش‌ها.
* ارائه کمک‌های فنی برای ثبت‌نام انتخاب‌کنندگان و تربیت نیرو برای کشورهایی که چنین تمایلی دارند، با تأکید خاص بر زنان انتخاب‌کننده.

۱- افغانستان، الجزایر، بحرین، لبنان، مغرب، قطر، عربستان سعودی، تونس، ترکیه و یمن برای انجام انتخابات در این سال‌ها برنامه‌ریزی می‌کردند.

۲ - به خاطر تقویت نقش پارلمان‌ها در روند دموکراتیزه کردن این کشورها، گروه هشت مایل است برنامه‌هایی برای دیدار اعضای پارلمان‌ها با تأکید بر اهمیت قانون‌گذاری و اجرای اصلاحات قانونی و گزینش انتخاب‌کنندگان از غرب را ترتیب دهد.

۳ - زنان در کشورهای عرب فقط ۵/۳ درصد از کرسی‌های پارلمان را در اختیار دارند. به منظور افزایش مشارکت زنان در حیات سیاسی و اجتماعی، کشورهای گروه هشت می‌خواهند مؤسسه‌ای را به راه‌اندازند که آموزش ویژه‌ی زنانی را بر عهده بگیرند که مایل به مشارکت در رقابت‌های انتخاباتی هستند، یا قصد تأسیس و راه‌اندازی سازمان‌های غیردولتی را دارند. این مؤسسه‌ها می‌توانند دیدارهایی را بین زنان پیشگام در کشورهای مجموعه‌ی گروه هشت و زنان منطقه فراهم سازند (کاستلز، ۱۳۸۱: ۳۲۱).

۴ - در زمانی که آمریکا، اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و بانک جهانی عملاً طرح‌های زیادی را برای ترغیب اصلاحات قانونی و قضایی به اجرا می‌گذارند، اکثر این طرح‌ها، در سطح ملی و در زمینه‌هایی مثل آموزش قضایی و مدیریت قضایی و اصلاح سیستم قانونی صرف می‌شود. در عین حال، کشورهای گروه هشت به دنبال آن هستند که با تأکید بر ارتقای سطح مردم عادی، تلاش‌های خود را افزایش دهند تا به زعم خود، نسبت به عدالت احساس واقعی پدید آورند. مجموعه‌ی گروه هشت در پی آن‌اند مراکزی را تأسیس یا در مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری کنند که طی آن، افراد بتوانند در مورد قوانین اجتماعی و جنایی یا مذهبی به مشاوره یا اطلاعات دست یابند، یا با حقوق‌دانان و وکلای ارتباط برقرار کنند؛ مسئله‌ای که در باور گروه هشت تا حد زیادی در کشورهای منطقه وجود ندارد. آن‌ها مایل‌اند چنین مراکزی را در دانشگاه‌های حقوق منطقه تأسیس نمایند (علی بابایی، ۱۳۸۳: ۴۲۵).

۵ - گزارش توسعه انسانی سازمان ملل نشان می‌دهد که برای هر هزار شهروند عرب، کمتر از ۵۳ روزنامه یا نشریه وجود دارد. حال آن‌که این آمار در کشورهای پیشرفته برای هر هزار نفر، ۲۸۵ روزنامه و نشریه است. از سوی دیگر، غرب ادعا می‌کند نشریات عرب، دارای کیفیت پایین بوده و اکثر برنامه‌های تلویزیونی منطقه در مالکیت یا کنترل دولت است و غالباً چون کیفیت پایینی دارند، نیازمند برنامه‌هایی هستند که به صورت گزارش‌های تحلیلی و واقعی باشد. غرب در تحلیل‌های خود معتقد است این کاستی به عدم توجه توده‌های مردم به رسانه‌های مکتوب برمی‌گردد و مانع آگاهی و اطلاعات کافی در بین آنها می‌شود. به منظور حل این مشکل، گروه هشت اقدامات زیر را تعقیب می‌کند:

* به راه انداختن یکسری دیدارهای متقابل بین روزنامه‌نگاران در رسانه‌های نوشتاری و شنیداری.

* به راه انداختن برنامه‌های آموزش روزنامه‌نگاران مستقل.

* ارائه بورس‌های تحصیلی به دانشجویان تا بتوانند تحصیلات خود را در زمینه روزنامه‌نگاری در منطقه یا خارج از آن، تداوم بخشند. همچنین، سرمایه‌گذاری برای اعزام روزنامه‌نگاران یا اساتید این فن به منطقه برای برگزاری همایش‌های آموزشی در مورد مسائلی چون پوشش دادن به انتخابات یا برگزاری یک دوره تحصیلی و یا تدریس آن در آموزشگاه‌های منطقه (استراتژی خاورمیانه...، ۱۳۸۳: ۹۸).

۶- گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد که فساد اداری، مالی و اقتصادی، مهم‌ترین عامل توسعه‌نیافتگی کشورهاست. این مسئله در بسیاری از کشورهای خاورمیانه بزرگ، ریشه گرفته است و گروه هشت می‌کوشد:

* کشورهای خاورمیانه را ترغیب کند، تا برنامه شفاف‌سازی و مبارزه با فساد را که در کشورهای گروه هشت اجرا می‌شود، اتخاذ کنند.

* کشورهای گروه هشت باید به صورت علنی از پیشنهاد سازمان توسعه و تعاون اقتصادی برنامه سازمان ملل متحد در خاورمیانه و شمال آفریقا حمایت و پشتیبانی کند. رؤسای کشورها، کمک‌کنندگان و سازمان‌های غیردولتی متمایل به غرب می‌کوشند از طریق این برنامه‌ها، شیوه‌های ملی مبارزه با فساد را بررسی و مخالفان آن را به پاسخ‌گویی وادارند.

* کشورهای گروه هشت باید در این باره یک یا چند برنامه تجربه شده در غرب را در کشورهای خاورمیانه پیاده کنند.

۷- نظر به این راهبرد که نیروی پیشبرنده اصلاحات واقعی در خاورمیانه بزرگ باید از داخل ناشی شوند، و این که بهترین شیوه‌ها برای تشویق اصلاحات از طریق سازمان‌های انتخابی صورت می‌گیرد، غرب این امر را شایسته می‌داند که سازمان‌های کارآمد در حوزه جامعه مدنی را در منطقه توسعه داده و تشویق به فعالیت کند (همان). همچنین، کشورهای گروه هشت می‌توانند به اقدامات زیر دست بزنند:

* کشورهای منطقه را ترغیب کنند تا به سازمان‌های جامعه مدنی از جمله سازمان‌های غیردولتی، به ویژه در عرصه حقوق بشر و رسانه‌ها، اجازه دهند که بدون هرگونه فشار یا محدودیتی، آزادانه فعالیت نمایند.

* مستقیماً در سازمان‌های غیردولتی و فعال در حوزه دموکراسی، حقوق بشر، رسانه‌ها، زنان و غیره، سرمایه‌گذاری کنند.

* با سرمایه‌گذاری بیشتر در سازمان‌های محلی مثل مؤسسه وست مینستر در عربستان سعودی، توان تکنیکی سازمان‌های غیردولتی را در منطقه افزایش داده و به آنها آموزش دهند که چگونه برنامه‌ریزی کرده و بر دولت اثر بگذارند، یا استراتژی خاص مربوط به رسانه‌ها و کسب حمایت‌های مردمی را چگونه توسعه دهند. این برنامه‌ها همچنین می‌تواند شامل دیدارهای متقابل و تأسیس شبکه‌های منطقه‌ای باشد.

* سرمایه‌گذاری در سازمان‌های غیردولتی می‌تواند کارشناسان حقوق و رسانه‌ای منطقه را گرد هم آورد تا ارزیابی‌های سالانه‌ای را در مورد تلاش‌های صرف شده به خاطر اصلاحات قضایی و آزادی و رسانه‌های عمومی منطقه ترتیب دهند. در این باره، گروه هشت بر این باور است که می‌توان از الگوی پیشنهادی گزارش توسعه انسانی اعراب هم پیروی کرد (گزارش پژوهشی...، ۱۳۸۱: ۲۱).

تلاش برای ساختن جامعه مدنی: در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲ / ۱۳۸۱ اعراب آمده است: شناخت و آگاهی، راهی است به سوی توسعه و رهایی، به ویژه در جهانی که با جهان‌گرایان گره خورده است. به هر روی، جهان غرب می‌گوید: منطقه خاورمیانه بزرگ که روزگاری مهد اکتشافات علمی و معرفت بود، تا حد زیادی از جهان کنونی که رویکردی اطلاعاتی دارد، عقب‌مانده است. منطقه از شکاف اطلاعاتی خاصی رنج می‌برد، به علاوه، فرار مغزها، چالش مهمی بر سر راه توسعه این کشورهاست. تولید کتاب در کشورهای عربی تنها ۱/۱ درصد کل تولید کتاب جهانی است، در حالی که کتاب‌های دینی بیش از ۱۵ درصد از این انتشارات را در بر می‌گیرد. حدود یک چهارم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به خارج مهاجرت می‌کنند و در مقابل، این کشورها تا حد زیادی، تکنولوژی مورد نیاز خود را وارد می‌سازند. تعداد کتاب‌های ترجمه شده به زبان یونانی که تنها یازده میلیون نفر بدان تکلم دارند، پنج برابر آن چیزی است که به زبان عربی ترجمه می‌شود. گروه هشت با تکیه بر تلاش‌های جاری منطقه‌ای، در حل و فصل مشکلات و چالش‌های بالا می‌خواهد برای حل موانع آموزشی در منطقه به شیوه‌های زیر کمک کند و دانشجویان را یاری دهد تا به منظور موفقیت در بازار جهانی‌شده عصر کنونی، مهارت‌های لازم را کسب نمایند:

۱ - منطقه به علت کاهش سرمایه‌گذاری دولت و افزایش داوطلبان به موازات فشارهای جمعیتی، از فقدان آموزش‌های اساسی رنج می‌برد، کما این که اعتبارات فرهنگی لازم برای آموزش دختران

نیز در دسترس نیست. کشورهای گروه هشت می‌توانند از طریق راهبردهایی، آموزش‌های اسلامی را در منطقه گسترش دهند (همان)، مانند راهبردهای زیر:

* در سال ۲۰۰۳ / ۱۳۸۲ سازمان ملل متحد برنامه مبارزه با بی‌سوادی، تحت شعار محو بی‌سوادی به مثابه آزادی را طرح کرد. کشورهای گروه هشت باید برنامه سازمان ملل متحد را از طریق تأکید بر نسلی رها از بی‌سوادی در خاورمیانه، طی یک دهه آینده تکمیل سازد و بکوشد تا با ورود به سال ۲۰۱۰ / ۱۳۸۹ میزان بی‌سوادی را در این منطقه، به نصف کاهش دهد. طرح کشورهای گروه هشت مثل برنامه سازمان ملل متحد به حضور زنان و دختران، تأکید خواهد داشت. اگر طرح گروه هشت بر رنج‌ها و مشکلات ۶۵ میلیون بی‌سواد بزرگسال نیز تأکید کند، باید بکوشد از طریق برنامه‌های متنوع از جمله اصلاح شیوه‌های تدریس از طریق اینترنت، آموزش حضوری معلمان را توسعه بخشد.

* کشورهای گروه هشت باید تلاش کنند تا سطح خواندن و نوشتن در بین دختران بهبود یابد. همچنین، آموزشگاه‌هایی را برای آموزش معلمان به ویژه زنان، تأسیس نمایند و یا توسعه دهند. معلمان زن و افرادی که اختصاص به امر آموزش دارند، می‌توانند در این آموزشگاه‌ها، زنان را برای سوادآموزی تربیت کنند، سپس آنها به نوبه خود، خواندن و نوشتن را به زنان و دختران دیگر می‌آموزند. در این برنامه، همچنین می‌توان از رهنمودهای برنامه سازمان یونسکو تحت عنوان آموزش برای همگان، به منظور آماده‌سازی گروه‌های مبارزه با بی‌سوادی استفاده کرد تا تعداد آنها در سال ۲۰۰۸/۱۳۸۷ به یک‌صد هزار معلم زن برسد (کاستلز، ۱۳۸۱: ۳۲۱).

* گزارش توسعه انسانی اعراب کاستی مهمی را در ترجمه کتاب‌های اساسی در زمینه فلسفه، ادبیات، جامعه‌شناسی و علوم طبیعی نشان می‌دهد و به وضعیت تأسفبار کتاب‌ها در دانشگاه‌ها اشاره دارد. کشورهای گروه هشت بر پایه گزارش‌هایی چون گزارش یاد شده، به خود حق می‌دهند در برنامه‌ای به منظور ترجمه کتاب‌های کلاسیک برای کشورهای مسلمان، سرمایه‌گذاری کنند. همچنین به نحوی که مناسب منافع دول غرب باشد، این دولت‌ها و انتشاراتی‌ها در یک مشارکت بین بخش خصوصی و عمومی، کتاب‌های کلاسیک و عربی کمیاب را چاپ و به مدارس و دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های عمومی کشورهای خاورمیانه هدیه کنند.

* اردن اجرای طرح تأسیس مدارس علمی و اکتشافی را آغاز کرده و در این مدارس، از تکنولوژی پیشرفته و شیوه‌های جدید آموزشی استفاده می‌شود. کشورهای گروه هشت هم می‌توانند این ابتکار را توسعه داده و از طریق سرمایه‌گذاری یا با کمک بخش خصوصی به سایر کشورهای منطقه نیز انتقال دهند.

* خاورمیانه باید به کمک گروه هشت، کنفرانس اصلاحات آموزشی در خاورمیانه را ترتیب دهد که همایشی خواهد بود برای جریان‌های آگاه نسبت به اصلاحات و بخش خصوصی و رهبران نهادهای جامعه مدنی و اجتماعی منطقه و هم‌تایان آنها در آمریکا و اتحادیه اروپا. هدف از این کار گفت و گو پیرامون راه‌های غلبه بر کاستی‌های موجود در حوزه‌های آموزشی در خاورمیانه است. کشورهای گروه هشت نیز می‌توانند به منظور گستردن طرح خاورمیانه بزرگ، در این کنفرانس شرکت جویند.

۲- از جهت استفاده و ارتباط با اینترنت، منطقه خاورمیانه در پایین‌ترین سطح قرار دارد. غربی‌ها می‌گویند کاملاً ضرورت دارد که با توجه به روند افزایش اطلاعات سپرده یا ذخیره شده در اینترنت و اهمیت آن در رابطه با آموزش و بازرگانی، شکاف اطلاعاتی بین خاورمیانه و جهان پر شود. کشورهای گروه هشت توان آن را دارند که برای فراهم ساختن ارتباطات کامپیوتری یا توسعه شبکه‌های آن در کل منطقه، با بخش خصوصی و عمومی وارد همکاری شوند. این مسئله باید حتی بین روستاها و شهرهای یک کشور نیز توسعه پیدا کند. برای بعضی مناطق شاید مناسب‌تر باشد که در دفاتر پستی کامپیوترهایی گذشته شود تا مثل شهرها و روستاهای کشور روسیه، مردم از آنها استفاده کنند. این طرح در درجه اول مربوط به کشورهایی از خاورمیانه خواهد بود که کمتر از کامپیوتر استفاده می‌کنند، مثل: عراق، افغانستان، یمن، سوریه، لیبی، الجزایر، مصر و مغرب. غرب بر پایه طرح خاورمیانه می‌کوشد تا ضمن فراهم ساختن کمک‌های مالی، شرایطی را به وجود آورد که کامپیوتر به اکثر مدارس و دفاتر پستی کشورهای منطقه ارسال شود. هم‌چنین، گروه هشت به دنبال آن است که طرح مجهز کردن مدارس به کامپیوتر را به طرح مبارزه با بی‌سوادی پیوند دهد تا مراکز تربیت مدرس، به منظور توسعه شیوه‌های آموزشی، آموزگاران مناطق را از طریق اینترنت آموزش دهند.^۱

۳- مجموعه گروه هشت در چارچوب بهبود سطح مدیریت به سبک غرب، در تمام منطقه خاورمیانه می‌توانند بین مدارس حرفه‌ای کشورهای خود و آموزشگاه‌های منطقه، اعم از دانشگاه‌ها، مشارکت‌هایی را در حوزه آموزش مدیریت به وجود آورند. کشورهای گروه هشت می‌توانند در گروه‌ها و مواد آموزشی این آموزشگاه‌های مشترک، سرمایه‌گذاری کنند. برنامه‌های آموزشی این گونه آموزشگاه‌ها می‌تواند دوره‌های یک ساله یا دوره‌های کوتاه مدت‌تر باشد که در مواد مشخصی، مثل آماده‌سازی برنامه کار شرکت‌ها یا استراتژی بازاریابی، برگزار می‌شود. نمونه‌ای از این آموزشگاه‌ها را

۱- تا سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲، الجزایر، مصر، ایران، اسرائیل، ترکیه، کویت، امارات متحده عربی به اینترنت، عربستان سعودی به Bitnet و اردن و مراکش به Email دسترسی داشته‌اند.

می‌توان مؤسسه پول و اعتبار بحرین توصیف کرد که با مدیریت آمریکا اداره می‌شود و با چند دانشگاه آمریکایی ارتباط دارد.

توسعه بخشی به اقتصاد کاپیتالیستی: در باور کاپیتالیستی، پرکردن شکاف اقتصادی بین کشورهای خاورمیانه و جهان غرب، به همان تحولی احتیاج دارد که تا حدودی در کشورهای اروپای شرقی با سابقه کمونیست اجرا شد. کلید این تحول در آزادسازی توان بخش خصوصی در منطقه به ویژه در طرح‌های کوچک و متوسط است که اصلی‌ترین موتور رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های کاری به شمار می‌رود. رشد و پیدایش یک طبقه با تجربه در کارها، مهم‌ترین عنصر برای رشد دموکراسی و آزادی به شیوه غرب است. کشورهای گروه هشت در این رابطه می‌توانند اقدامات زیر را انجام دهند (پیشینه و مؤلفه‌ها...، ۱۳۸۳: ۳۸):

۱ - تقویت کارآمدی بخش مالی، عنصری ضروری برای دست یافتن به میزان بالایی از رشد و ایجاد فرصت‌های کاری است که در غرب هم تجربه شده است. کشورهای گروه هشت در تحقق هدف مورد اشاره می‌توانند طرح مالی تکامل یافته‌ای را با مشخصات زیر آغاز کنند:

* در منطقه خاورمیانه، برخی مؤسسات در پروژه‌های کوچک سرمایه‌گذاری می‌کنند، اما دست‌اندرکاران آن غالباً با کمبودهای مالی فراوانی مواجه‌اند، زیرا برای سرمایه‌گذاری در این رابطه چیزی جز ۵ درصد از آن چه را می‌طلبند، پیدا نمی‌کنند و عموماً بیش از ۷۰ درصد از مجموع پولی که در این بخش درخواست می‌شود، پرداخت نمی‌گردد. مجموعه کشورهای گروه هشت می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری به خصوص با تأکید بر نوعی سرمایه‌گذاری به قصد سودآوری و خصوصاً در طرح‌هایی که زنان به انجام آنها روی می‌آورند، این کاستی را جبران کنند. مؤسسات اعطای وام با سودهای کم می‌توانند به راه خود ادامه دهند و به سرمایه‌گذاری اضافی برای رشد و ادامه کار نیاز ندارند. ارزیابی گروه هشت این است که امکان اعطای وام ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلاری در این مورد وجود دارد. این وام طی پنج سال به ۱/۲ میلیون فعال اقتصادی که ۷۵۰ هزار نفر آنها زنان می‌باشند، داده می‌شود تا از فقر رهایی یابند و به رفاه موجود در غرب نزدیک شوند.

* صندوق بین‌المللی پول و خاورمیانه بزرگ با کشورهای گروه هشت می‌توانند در یک مؤسسه مالی به سبک صندوق بین‌المللی پول سرمایه‌گذاری کنند که هدفش توسعه طرح‌های عملی در سطوح متوسط و بزرگ باشد تا بتوان به یک تکامل اقتصادی در منطقه دست یافت. شاید بهتر باشد که مدیریت این صندوق به گروهی از دست‌اندرکاران بخش خصوصی گروه هشت واگذار شود تا کاردانی و مدیریت خود را به منطقه خاورمیانه بزرگ ارائه کنند (دموکراسی آمریکایی...، ۱۳۸۳: ۶۹).

*مجموعه کشورهای گروه هشت باید بتوانند به منظور اعطای وام به داوطلبان در خاورمیانه بزرگ، یک سازمان منطقه‌ای رشد به سبک بانک اروپایی توسعه و آبادانی، تأسیس کنند تا به کشورهای آن که قصد انجام اصلاحات را دارند کمک کرده و نیازهای اولیه آنها را تأمین نمایند. چنان که این مؤسسه جدید می‌تواند توان‌های مالی کشورهای غنی‌تر را یک‌پارچه کند و بر طرح‌های مربوط به توسعه و گسترش آموزش و مراقبت‌های بهداشتی و زیر ساخت‌های اصلی تأکید نماید. بانک توسعه خاورمیانه بزرگ می‌تواند پشتیبان اعطای کمک‌های تکنولوژیک و پیش بردن استراتژی‌های توسعه در کشورهای منطقه باشد. اعطای وام (یا کمک) باید منحصرأً به این باشد که کشور وام‌گیرنده آن را اصلاحات ملموس و ضروری صرف کند.

* کشورهای گروه هشت می‌توانند به منظور اصلاح خدمات پولی در منطقه و بهبود روند ادغام آن، کشورها را به انجام اصلاحات اقتصادی تشویق نمایند. هدف از این مشارکت، آزادسازی خدمات پولی و توسعه و گسترش آن در تمام سطح منطقه است. این کار از طریق ارائه مجموعه‌ای از کمک‌های تکنولوژیک و کارشناسی در حوزه سازمان‌های مالی و با تأکید بر موارد زیر انجام می‌شود: اجرای طرح‌های اصلاح‌گرایانه که سلطه دولت را بر خدمات پولی و مالی کاهش می‌دهد؛ برداشتن موانع موجود بر سر راه تعاملات پولی بین کشورها؛ نوسازی خدمات بانکی، ارائه و بهبود و گسترش ابزارهای لازم برای پشتیبانی از اقتصاد بازار آزاد؛ و تأسیس ساختارهای سازمانی که از آزادسازی خدمات پولی پشتیبانی کند (همان).

۲ - حجم تبادل تجاری در بین کشورهای خاورمیانه بسیار پایین است و بیش از شش درصد از کل تجارت کشورهای عربی را شامل نمی‌شود. اکثر کشورهای خاورمیانه بزرگ با کشورهای خارج از منطقه تبادل تجاری داشته و به جای همسایگان خود ترجیح می‌دهند با کشورهای بسیار دورتری روابط تجاری داشته باشند. در نتیجه این کار، موانع گمرکی و غیرگمرکی تقریباً یک امر عادی است و تجارت از طریق مرزها به ندرت انجام می‌گیرد. کشورهای گروه هشت می‌توانند طرح تازه‌ای را به منظور رونق بخشیدن به تجارت در خاورمیانه بزرگ به راه اندازند که دارای عناصری چون پیوستن به سازمان تجارت جهانی و اجرای برنامه‌هایی برای تسهیل بازرگانی باشد. گروه هشت می‌تواند بر پیوستن کشورهای منطقه به سازمان تجارت جهانی بیشتر تأکید ورزد.^۱ این سازمان به منظور

۱- برای کشورهایی که درخواست پیوستن به سازمان تجارت جهانی را داشته باشند، یک کمیته کاری وابسته به این سازمان تشکیل می‌شود. الجزایر، لبنان، عربستان سعودی و یمن از کشورهای خواهان پیوستن به سازمان تجارت جهانی‌اند، اما هنوز این درخواست‌ها بررسی نشده، ولی با درخواست ناظر بودن افغانستان، لیبی، سوریه و عراق، موافقت شده است.

اعطای کمک‌های تکنولوژیک و مشاوره‌هایی برای حرکت به سمت اقتصاد غرب، دارای برنامه‌هایی است، بنابراین، کشورهای گروه هشت می‌توانند اصرار بیشتری بر پیوستن سایر کشورها نموده و نیز بر محدود کردن یا برداشتن موانع غیرگمرکی تأکید ورزند. وقتی روند پیوستن به سازمان تجارت جهانی انجام شود، مرکز توجه اعضا، پذیرش تعهدات اضافی، مثل ابعاد تجاری حقوق مالکیت فکری و پیوند دادن تداوم کمک‌های تکنولوژیک به اجرای این گونه تعهدات خواهد بود. می‌توان همین کمک‌های تکنولوژیک را به برنامه‌های دیگری در سطح منطقه و زیر نظر گروه هشت، پیرامون اعطای تسهیلات و بخش‌های حمایت مربوط به تعرفه‌های گمرکی پیوند داد که موانع اداری و مادی را در برابر تبادل تجاری بین کشورهای منطقه بردارد.

۳ - گروه هشت، مناطقی را در خاورمیانه بزرگ تأسیس خواهد کرد که هدفش بهبود تبادل تجاری در منطقه و مسائل مربوط به تعرفه‌های گمرکی خواهد بود. این مناطق می‌توانند مجموعه‌ای متنوع از خدمات را به منظور فعال کردن تجارت در بخش خصوصی و ارتباط برقرار کردن بین طرح‌های خاص ارائه کنند و بازاریابی از یک منفذ برای سرمایه‌گذاران خارجی و ارتباط برقرار کردن با دفاتر گمرکی به منظور کاهش زمان نقل و انتقال و اتخاذ قوانینی یک‌پارچه برای تسهیل در ورود و خروج کالاها و خدمات از منطقه، از آن جمله است. به علاوه، با تکیه بر موفقیتی که مناطق صادراتی و مناطق ویژه تجاری به دست آورده‌اند، کشورهای گروه هشت می‌توانند کمک کنند تا این مناطق در خاورمیانه بزرگ تأسیس شود و هدفش ترغیب همکاری‌های منطقه‌ای در برنامه‌ریزی، ساخت و بازاریابی کالاها باشد. گروه هشت می‌تواند نحوه ورود بهتری را برای بازاریابی این کالاها ارائه داده و کارشناسی‌های خود را در زمینه تأسیس این مناطق ارائه کند (کاستلز، ۱۳۸۱: ۳۲۱).

۴ - به منظور تشویق به همکاری‌های بهتر منطقه‌ای، گروه هشت می‌تواند یک تریبون آزاد برای فرصت‌های اقتصادی خاورمیانه تأسیس کند تا مقامات بلندپایه کشورهای گروه هشت و کشورهای خاورمیانه بزرگ بتوانند مسائل مربوط به اصلاحات اقتصادی را به بحث و مذاکره بگذارند و همچنین امکان نشست‌های جانبی را برای مسئولان و افراد غیردولتی به ویژه بازرگانان، فراهم سازند. این تریبون تا حدودی می‌تواند بر الگوی همکاری‌های اقتصادی گروه آسیا-اقیانوسیه، تکیه کند و مسائل مربوط به اقتصاد منطقه‌ای از جمله مسائل مالی و تجاری و آنچه را مربوط به قوانین آنها می‌شود، تحت پوشش قرار دهد (روزنامه شرق، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۸۳: ۲۰، به نقل از: الحیات).

پایه و هدف‌های طرح خاورمیانه بزرگ

طرح خاورمیانه بزرگ بر چند پایه استوار است از جمله:

الف - مفروضه‌ها: مفروضه‌ها اموری‌اند که مسلم و قطعی در نظر گرفته می‌شوند. بخشی از آن‌ها

در طرح خاورمیانه بزرگ عبارت‌اند از:

۱- حل نشدن مسئله فلسطین: مسئله فلسطین مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مسئله منطقه‌ای است که پس از نیم قرن، همچنان حل نشده باقی مانده و حتی رو به وخامت می‌رود. با توجه به سیاست‌های جاری اسرائیل و آمریکا، چون ایجاد دیوار حائل، استمرار تروریسم اسرائیلی، ترور رهبران فلسطینی، حمایت‌های علنی آمریکا از این اقدامات و... تمایل و چشم اندازی برای حل این مسأله، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت وجود ندارد و از دیدگاه آمریکا و اسرائیل، حل مطلوب این مسئله تنها در پایان فرآیند شکل‌گیری خاورمیانه بزرگ، امکان‌پذیر است.

۲- نگرانی از اسلام سیاسی و فرهنگ دینی: در نگاه آمریکایی‌ها، تهدیدها علیه آن کشور، با نضج‌گرفتن اسلام سیاسی و رفتار ناشی از فرهنگ دینی مسلمانان، شکل نهادی به خود گرفته و توأم با نفرت رو به تزاید از سیاست‌های آمریکا در وسیع‌ترین سطوح اجتماعی و مردمی قرار دارد. در عین حال، اسلام سیاسی از کنترل رژیم‌های دوست آمریکا نیز خارج بوده و بعضاً رشد اسلام سیاسی نتیجه سیاست‌ها و ناتوانی‌های همین رژیم‌هاست (خاورمیانه بزرگ: زمینه‌ها و هدف‌ها، ۱۳۸۳: ۴۲).

۳- عدم اعتماد به رژیم‌های موجود در خاورمیانه: آمریکا اغلب رژیم‌های منطقه را در ایجاد نفرت علیه غرب و آمریکا در میان اتباع‌شان به طور مستقیم و غیر مستقیم، مسئول می‌شناسد، مثلاً در رابطه با عربستان سعودی معتقد است بخشی از حاکمیت دولتی، حامی و مرتبط با گروه القاعده و شخص بن لادن است. این نگرش در گزارش کنگره آمریکا در واقعه ۱۱ سپتامبر به وضوح دیده می‌شود. اغلب رژیم‌های خاورمیانه نیز از طرح خاورمیانه بزرگ و اقدامات آمریکا در عراق ابراز نگرانی و عدم رضایت کرده‌اند، حتی متحدان عرب آمریکا در خاورمیانه، هم‌چون مصر و اردن، تنها امضاکنندگان پیمان صلح با اسرائیل، به چنین رویکرد هژمونیک از خود عکس‌العمل منفی نشان داده‌اند. مصر، اردن و عربستان سعودی در اواخر سال ۲۰۰۳/۱۳۸۲، طی بیانیه‌ای ضمن واکنش به طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا اعلام کردند: هرگز اجازه نمی‌دهند که شکل خاصی از اصلاحات از خارج بر کشورهای عربی تحمیل شود.

۴- عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی خاورمیانه: خاورمیانه با برخورداری از منابع سرشار کانی، انرژی و موقعیت بی‌بدیل ژئواستراتژیک، و هویت نسبتاً منسجم اسلامی، به دلایل مختلف، به ویژه

وجود اسرائیل و استمرار بحران منطقه‌ای، همواره از فقدان توسعه اقتصادی - اجتماعی، رنج برده و از مزایای اقتصاد جهانی به دور بوده است. از دید آمریکایی‌ها با چنین فضایی، مردم مسلمان خاورمیانه در فرآیند تحول اقتصادی و اجتماعی خود بر سر یک دو راهی تاریخی قرار گرفته‌اند که شرایط را به نفع واشنگتن رقم می‌زند (طرح خاورمیانه بزرگ؛ ملزومات و پیامدها، ۱۳۸۳: ۵).

بنابراین به زعم آمریکایی‌ها، منشأ و خاستگاه افراط‌گرایی و تروریسم که منافع ملی غرب و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند، حوزه جغرافیایی شمال آفریقا، خاور نزدیک و خاورمیانه (خاورمیانه بزرگ) است. هم‌چنین، وضع تهدیدزایی منطقه، حاصل فقدان آزادی و دموکراسی، سطح پایین دانش، عدم توسعه علمی، جایگاه نامناسب زنان و وضعیت نامطلوب حقوق بشر است. به عبارت دیگر، توسعه نیافتگی و محرومیت مردم از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، باعث رشد افراط‌گرایی اسلامی، تروریسم، مهاجرت غیرقانونی و جرایم سازمان یافته بین‌المللی می‌شود که عامل بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای و بین‌المللی است. به علاوه، بهترین راه حل برای درمان مشکلات و معضلات، توسعه همه جانبه در قالب اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین، اولویت‌های توسعه منطقه عبارت‌اند از: توسعه سیاسی از طریق تشویق و هدایت کشورها به سوی مردم‌سالاری و حکومت‌های شایسته به زعم غرب، توسعه علمی و آموزشی به وسیله ایجاد جامعه‌ای مدنی و پیشرفته، توسعه اقتصادی از طریق ایجاد فرصت‌های اقتصادی، آزادسازی و خصوصی‌سازی اقتصاد. (خاورمیانه بزرگ و امنیت ایران، ۱۳۸۳: ۲).

ب - هدف‌ها: طرح خاورمیانه بزرگ، هدف‌های زیرین را دنبال می‌کند:

اهداف کلان آمریکا در خاورمیانه بزرگ، مسائلی چون حفظ منافع امنیتی آمریکا و هم‌پیمانانش، تثبیت رهبری جهانی آمریکا، استتار نقاط ضعف اقتصادی و اطلاعاتی سیستم آمریکا و... می‌باشد. در این راستا، حاکمیت آمریکا، چهار هدف مشخص را به شرح زیر در خاورمیانه بزرگ دنبال می‌کند:

- ۱- بر سرکار آمدن رژیم‌های دوست: پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، تعریف آمریکا از رژیم‌های دوست، تغییر کرده است. رژیم‌های دوست جدید، باید از سطح گسترده و مکفی مشارکت سیاسی مردم جهت برقراری ثبات دراز مدت برخوردار شوند. آمریکا در جهت تحقق بخشی به هدف فوق، باید از طریق رسانه‌های آزاد و شکل‌گیری نوعی جامعه مدنی، در ارتباط و تعامل فکری مستقیم با ملت‌های منطقه قرار گیرد. در این راستا، تحول ساختاری، تغییر نخبگان، تغییر فرهنگ سیاسی و الگوهای رفتاری در خاورمیانه، باید در دستور کار قرار گیرد. آمریکایی‌ها، هسته مرکزی تحول در ذهنیت جمعی مسلمانان منطقه را ارائه و تثبیت قرائت جدیدی از دین اسلام می‌دانند و از آن به

عنوان دین‌سازی و یا مدرنیزه کردن اسلام نام می‌برند که از کانال جنگ با تروریسم محقق می‌شود. دانیل پایپس از چهره‌های معروف محافظه‌کاران می‌گوید: تغییر و تحول منطقه‌ای از طریق سیاست، تغییر رژیم‌های در جهت آینده‌سازی و امنیت‌سازی مطلق و به نفع غرب، محور این حرکت است. (طرح خاورمیانه بزرگ‌تر، ۱۳۸۳: ۵)

۲- دسترسی آسان به منابع سرشار و بازار منطقه: دسترسی ارزان و آزادانه به منابع، عمده‌تاً انرژی و بازار پرجمعیت خاورمیانه بزرگ، از اهداف عمده آمریکاست. در این راستا، حذف یا دگرگونی اوپک و... گام بزرگ به سوی رهبری جهانی است. به علاوه، اسرائیل به عنوان منشأ بحران‌ها و جنگ‌های نیم قرن اخیر منطقه، عامل اصلی جلوگیری و ممانعت از توسعه پایدار کشورهای مسلمان خاورمیانه بوده است. از دید واشنگتن و تل آویو، به هم‌ریزی صحنه فعلی منطقه (تغییر هژمونیک وضع موجود)، مسئله جدیدی را در برابر همه خاورمیانه‌ای‌ها قرار می‌دهد و هر کس سرنوشت و آینده خود را در رابطه با اسرائیل و چگونگی مناسبات با این رژیم تعریف نموده و رقم می‌زند، پس، خلع سلاح کشورهای اسلامی، بخشی از رویکرد هژمونیک آمریکا در خاورمیانه بزرگ است.

۳- تحول اقتصادی - اجتماعی و ادغام در اقتصاد جهانی: از دید آمریکایی‌ها این تحولات مهم‌ترین بخش از تغییرات ساختاری در خاورمیانه بزرگ، جهت امنیت‌سازی از درون و به موازات آن، تغییرات امنیتی و سیاسی، خواهد بود، و از طریق آن، مردم منطقه، به ویژه جوانان و زنان، طی فرآیند برخورداری نسبی از مواهب تحول اقتصادی - اجتماعی نسبت به اهداف آمریکا، متقاعد خواهند شد. (همشهری دیپلماتیک، ۱۳۸۳: ۹) آنچه در طرح خاورمیانه بزرگ، نزد افکار عمومی بزرگ‌نمایی شد، اغلب با محوریت تحولات اقتصادی اجتماعی بوده است، در حالی که هدف اصلی آمریکایی‌ها، وابسته و مرتبط کردن ارگانیک اقتصاد خاورمیانه بزرگ در کلیه حوزه‌ها به اقتصاد آمریکا و حفظ موجودیت اسرائیل به عنوان سر پل منطقه‌ای سرمایه‌داری بزرگ آمریکاست تا تضمینی درازمدت جهت ترتیبات اولویت‌دار امنیتی و سیاسی به وجود آورد و بازگشت ناپذیری طرح‌های هژمونیک خود را مسجل نماید. بنابراین، مهم‌ترین هدف خاورمیانه‌ای آمریکا، شامل حفظ امنیت و بقای اسرائیل، انتقال آزادانه انرژی از خاورمیانه به غرب و کنترل منابع انرژی، جلوگیری از ظهور هژمونی منطقه‌ای چالش‌گر با آمریکا، مهار جمهوری اسلامی و تثبیت و تحکیم هژمونی آمریکا در نظام بین‌المللی می‌باشد.

البته اگر بخواهیم از هدف‌های آمریکا از مطرح کردن خاورمیانه بزرگ به صورت عمیق‌تری سخن بگوییم می‌توانیم از مواردی چون تلاش برای حاکمیت بر ارو - آسیا، کنترل اتحادیه اروپا و

اقتصاد روسیه با منزوی کردن این کشور به داخل مرزهایش، و تعویق درگیری اقتصادی و سیاسی با چین نام برد. در ابتدای این اهداف، حاکمیت بر ارو - آسیا مطرح است. ارو - آسیا در مفهوم اتحاد دو قاره آسیا و اروپا، قدرت‌هایی چون اتحادیه اروپا، چین، روسیه و هندوستان را شامل می‌شود و با پتانسیل خود قادر است در مقابل حاکمیت جهانی آمریکا بایستد. آمریکا با حمله به افغانستان به مرکز ارو - آسیا قدم گذاشته و به توانمندی جدی در تأمین استراتژی خود دست یافته است. سربازان آمریکایی در منطقه‌ای حضور دارند که امروز ۳ درصد ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد.^۱ علاوه بر این، در قرن بیست و یکم، نفت و پس از آن گاز طبیعی، منبع اصلی انرژی جوامع صنعتی و جوامع فراصنعتی را تشکیل می‌دهد. بدین سبب است که میان حاکمیت بر این منابع و حاکمیت جهانی آمریکا، رابطه مستقیمی وجود دارد. کنترل انرژی یکی از مستندات اصلی آمریکا در تداوم سیاست تک‌قطبی خود در قرن بیست و یکم است. بدین جهت، ایجاد حاکمیت بر خاورمیانه که ۶۵ درصد منابع نفتی جهان را در اختیار دارد، ضرورت حیاتی برای واشنگتن به حساب می‌آید. پروژه خاورمیانه بزرگ آماده شد تا خاورمیانه که تعریف جدیدی از مرزهایش به عمل آمده، به سیاست‌های ضدآمریکایی دست نزدند و ۱۱ سپتامبر زمینه جدیدی به وجود آورد تا خاورمیانه از حالت منطقه‌ای که استقرار جهانی و حاکمیت آمریکا را تهدید می‌کند، خارج شود و در چارچوب دموکراسی غربی و اقتصاد بازار آزاد، وارد بازار جهانی گردد.

به نکات فوق، می‌توان کنترل اتحادیه اروپا را نیز افزود. اتحادیه اروپا یکی از موانع احتمالی در برابر تحقق آرزوی آمریکا برای دستیابی به تک‌قطبی‌گرایی در قرن بیست و یکم است. سیاست‌هایی که بوش تعقیب می‌کند، همکاری آمریکا - اتحادیه اروپایی را حتی برای آن عده از سیاستمداران اروپایی که به دیده مثبت به ناتو می‌نگرند، مشکل می‌سازد (خاورمیانه بزرگ: زمینه‌ها و هدف‌ها، ۱۳۸۳: ۴۲).

خاورمیانه بزرگ و کشورهای مسلمان

با این‌که جزئیات دقیق نقشه و برنامه ضد اسلامی خاورمیانه بزرگ هنوز در حال تدوین و تکوین است، منابع آگاه حدس می‌زنند آمریکا در نظر دارد نظام لائیک ترکیه را الگوی کل خاورمیانه قرار دهد و در جهان اسلام، دین را از سیاست جدا کند، چون تجربه ایران نشان داده که عدم جدایی دین از سیاست، مانع بزرگی در مقابل استیلای آمریکا برکشورهاست. براساس این طرح، روحانیان

۱- در حال حاضر، آمریکا ده درصد و اروپا سی درصد از نفت خود را از خاورمیانه تأمین می‌کنند.

دست‌چین شده ترکیه به سراسر جهان اسلام اعزام خواهند شد تا اسلام غیر سیاسی را تبلیغ کنند؛ اسلامی که به خانه و مسجد محدود می‌شود. این روحانیان، هم‌چنین برای از بین بردن ریشه اسلام، ازدواج مسلمانان با غیر مسلمانان را نیز تبلیغ خواهند کرد. در نهایت، این طرح به دنبال آن است که اصولی چون حجاب، جهاد و شهادت را از جهان اسلام ریشه کن نماید. بوش در این باره اعتراف کرد که حمایت شصت ساله آمریکا از رژیم‌های دست‌نشانده در خاورمیانه نتوانست آمریکا را ایمن سازد. وی توضیح داد بر آمریکا ثابت شده است که با این شیوه در دراز مدت نمی‌توان ثبات را تأمین کرد. منظور بوش از ثبات، اوضاع مورد رضایت آمریکا بود تا به قول مقام معظم رهبری، منافع نامشروع این کشور را در سراسر جهان برآورده سازد (عترسی، ۱۳۸۳: ۱۲).

اما با توجه به مشکلات روز افزونی که آمریکا در منطقه با آن روبه‌رو است، این طرح با شکست مواجه خواهد شد. یکی از دلایل شکست احتمالی این طرح، عدم هماهنگی و هم‌خوانی در سیاست‌های اعمالی آمریکا در قالب سیاست خارجی این کشور بعد از ۱۱ سپتامبر است. تاکنون، آمریکا نتوانسته است راه‌حل قابل قبولی برای مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی پیدا کند و ادامه حمایت آمریکا از سیاست‌های توسعه طلبانه این رژیم اشغالگر و نبود چشم‌انداز درستی از استقلال و بازسازی عراق، برای واشنگتن اعتباری باقی نگذاشته است تا بتواند در جهان اسلام و به خصوص در خاورمیانه رنج کشیده، سیاست‌هایش را به اجرا بگذارد. آمریکا، بعد از ۱۱ سپتامبر بر آن بود که مبارزه با تروریسم، و در واقع جنگ با اسلام سیاسی، جهان را به مکانی بهتر برای زیستن تبدیل کند، اما با بیش از دو سال از آن واقعه، مسلمانان یا خود را تحت اشغال مستقیم نیروهای آمریکایی و اسرائیلی می‌بینند و یا در کشورهای متحد آمریکا، زیر بدترین تبعیض‌ها و فشارها قرار دارند. تناقض این‌جاست که آمریکا برای تحت فشار قرار دادن مسلمانان، مجبور شده ادعاهایی را که بر دموکراسی دارد، فراموش کرده و به رژیم‌های غیردمکراتیک در خاورمیانه و منطقه آسیا نزدیک‌تر شود، در حالی که بسیاری از صاحب‌نظران آمریکایی معتقدند همین نزدیکی آمریکا به رژیم‌های سرکوبگر و دست‌نشانده در جهان اسلام بوده که باعث احیای اسلام سیاسی و مبارز شده است (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۵).

طرح خاورمیانه از آغاز مشکلات متعددی را برای مسلمانان پدید آورده است. به عنوان مثال، افغانی‌هایی که به اتهام فعالیت‌های ضدآمریکایی در افغانستان دستگیر و زندانی شده‌اند، بعد از آزادی، هر هفته باید خود را به پاسگاه محلی معرفی کنند. هم‌چنین هر از گاهی نیروهای امنیتی محلی یا آمریکایی به سراغ‌شان رفته و آنها را برای بازجویی با خود می‌برند. مثال دیگر، پاکستان

است. پاکستانی‌هایی که از زندان‌های افغانستان آزاد و به کشورشان بر می‌گردند، دوباره در کشور خود روانه زندان می‌شوند. یک مقام پاکستانی می‌گوید: ما آنها را رها نمی‌کنیم و براساس قوانین جدید با آنان برخورد خواهد شد. نباید فراموش کرد که آمریکا همزمان با تبلیغ دموکراسی در جهان اسلام نه تنها به تبلیغ یک دکترین تهاجمی مبتنی بر جنگ پیشگیرانه دست می‌زند، بلکه به ایجاد روابط نزدیک‌تر با مستبدان این منطقه و آسیای مرکزی هم می‌پردازد. در آسیای میانه، نیاز آمریکا به پایگاه‌های نظامی و دیگر اشکال ترتیبات امنیتی برای سرکوب مسلمانان، باعث گردیده تا این کشور با رهبران مستبد ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان روابط نزدیکی برقرار کند. دونالد رامسفلد در این راستا در سال ۲۰۰۲/۱۳۸۱ به دیدار صفرمراد نیازف، دیکتاتور ترکمنستان رفت که جز ثروت‌اندوزی، تاراج، حیف و میل منابع ترکمنستان چیزی دیگری نمی‌داند. گویا آمریکا فراموش کرده است تنها چیزی که در این کشورها رعایت نمی‌شود، حقوق بشر است و از دموکراسی در آنها خبری نیست (استراتژی خاورمیانه...، ۱۳۸۳: ۹۸).

آمریکا در راستای طرح خاورمیانه بزرگ، خواستار اصلاحات دموکراتیک در هر کشور منطقه است که سیاست‌های واشنگتن را نمی‌پذیرد، اما در بیانیه‌های رسمی این کشور، مثلاً از قزاقستان چنین درخواستی نشده است. علت آن وجود همکاری‌های نزدیک نورسلطان نظربایف دیکتاتور قزاق با آمریکا در زمینه نفت، گاز و مسائل امنیتی است. نگاهی دقیق‌تر به استراتژی ایجاد خاورمیانه بزرگ نشان می‌دهد که بوش و مشاوران نومحافظه‌کارش دوست دارند به سیاست‌های دوران جنگ سرد رو کنند. اساساً به نظر می‌رسد که آنان در ذهن خود خاورمیانه را جانشین اتحاد جماهیر شوروی کرده‌اند، آنها خاورمیانه را قلب جهان اسلام می‌دانند و اسلام را تهدیدی برای خود. در نظر آنان اسلام سیاسی در قرن ۲۱ جای کمونیسم قرن ۲۰ را گرفته است.

نقش اسرائیل در طرح خاورمیانه بزرگ

رژیم صهیونیستی از آن جا که مورد حمایت بی‌چون و چرای غرب، به ویژه آمریکا قرار دارد، در طرح خاورمیانه بزرگ با آمریکا هم‌نواست، چرا که با پیاده شدن این طرح که به زعم آن دو کشور به فراگیر شدن دموکراسی در منطقه خاورمیانه می‌انجامد، برقراری صلح آمریکایی و اسرائیلی را نوید می‌دهد؛ یعنی اجرای طرح خاورمیانه بزرگ، علاوه بر منافع آمریکا، تضمین امنیت اسرائیل را نیز در پی خواهد داشت. از این رو، اسرائیل با اهداف از پیش طراحی شده، از این طرح استقبال نموده و نهایت کوشش و تلاش خود را در راستای تحقق آن به عمل آورده است. رژیم اشغال‌گر قدس با این

همنوایی، درصدد است تا امنیت، موقعیت و مشروعیت خود و...، را بیش از پیش تثبیت نماید و از آن جا که فلسطین منابع زیرزمینی کافی ندارد، با پیاده شدن این طرح، اسرائیل می‌تواند مشکل انرژی، مواد خام و...، خود را از طریق منطقه خاورمیانه تأمین نماید (عبدالحمیدی، ۱۳۸۳: ۸).

اسرائیل نیز همچون آمریکا بر آن است که پیاده شدن دموکراسی در منطقه خاورمیانه به ریشه‌کنی تروریسم، آن هم تروریسم مذهبی منتهی می‌شود، زیرا اکثریت در کشورهای خاورمیانه بزرگ مسلمان‌اند و در دین اسلام مفاهیم مقدّسی مانند جهاد و شهادت وجود دارد و پای‌بندی مسلمانان بر اعتقادات دینی خود انجام عملیات‌های شهادت طلبانه علیه دشمن را به دنبال می‌آورد (پیشینه و مؤلفه‌ها، ۱۳۸۳: ۳۸). از آن‌جا که آمریکا و اسرائیل و... در مقابله با این قبیل مبارزات، ذلیل و خلع سلاح شده‌اند، منشأ تروریسم را مفاهیم مذهبی دانسته و مرکزیت آن را خاورمیانه قلمداد می‌کنند و تنها راه خلاصی از این خطر بزرگ را نفوذ در فرهنگ و سست کردن اعتقادات مردم منطقه بر می‌شمارند. آنان از هرگونه تلاش در جهت تحقق طرح خاورمیانه بزرگ دریغ نمی‌کنند، چرا که تغییر فرهنگ دینی مردم منطقه، از طرفی روحیه استکبار و آمریکا و اسرائیل ستیزی را از بین خواهد برد و آمریکا و اسرائیل راحت‌تر می‌توانند به غارت منابع منطقه بپردازند، و از سوی دیگر، با تسلط بر منطقه به لحاظ موقعیت استراتژیکی و دارا بودن قسمت عمده منابع مورد نیاز صنعت غرب و اروپا، از شکل‌گیری قطب‌های قدرت دیگر، چون روسیه، چین، اتحادیه اروپا و... جلوگیری می‌شود (سلمان‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۰۴). در این راه، اسرائیل یاور آمریکا بوده و خواهد بود.

وجود کشور اسرائیل در منطقه، یک ذخیره استراتژیک برای آمریکا است و اصلاً انتظار آمریکا از اسرائیل این است که رژیم صهیونیستی مدافع منافع آمریکا در این منطقه باشد. از این رو، طرح خاورمیانه بزرگ، حداقل از نظر جغرافیایی، شباهت بسیار زیادی با ایده اصلی صهیونیست اسرائیل بزرگ، یعنی شعار از نیل تا فرات دارد. سوریه، لبنان، عراق، بخشی از جنوب ترکیه بخشی از کویت و شمال غرب عربستان سعودی جزء اسرائیل بزرگ می‌باشد. تشکیل امپراتوری اسرائیل، از نیل تا فرات، از جمله اهدافی است که در پروتکل‌های صهیونیسم دیده می‌شود و رهبران اسرائیل در گفتار و کردار خود، تلاش برای رسیدن به این آرمان را ابراز داشته‌اند، از جمله:

بن‌گورین، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، در مقابل گروهی از دانش‌آموزان و دانش‌جویان صهیونیستی چنین گفت: «... میهن اسرائیلی باید از نیل تا فرات را در بگیرد». وی ادعا می‌کرد که: «این امپراتوری هم از راه تهاجم بنا خواهد شد، و هم از راه سیاست». هم‌چنین بر درب ورودی پارلمان رژیم صهیونیستی، دو خط موازی آبی رنگ و ستاره‌ای در بین آن دو قرار دارد که گفته

می‌شود این دو خط آبی نمایان‌گر رودهای نیل و فرات است. اسرائیل با تلاش در تحقق خاورمیانه بزرگ در پی اهدافی است که در طرح اسرائیل بزرگ وجود دارد. آن اهداف عبارت‌اند از (شیرودی، ۱۳۸۳: ۹۰):

ایجاد امنیت برای رژیم صهیونیستی و حفظ موجودیت آن؛ تشکیل حکومت از نیل تا فرات؛ و جذب مهاجران یهودی برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز و توسعه روابط با کشورهای جهان برای کسب پرستیژ بین‌المللی و خروج از انزوا. طرح خاورمیانه بزرگ حاوی این مطلب است که رهایی کشورهای خاورمیانه از فقر و عقب ماندگی، مستلزم وقوع اصلاحات همه جانبه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... در این منطقه می‌باشد و این امر، از عهده آمریکا، با همکاری و پشتیبانی اسرائیل ساخته است.

رژیم صهیونیستی در حمایت از طرح خاورمیانه بزرگ، یعنی نهادینه شدن دموکراسی، روی کار آمدن حکومت‌های به اصطلاح مردمی، گستردن فناوری در جوامع خاورمیانه و ایجاد فرصت‌های مناسب اقتصادی که منافع دراز مدت غرب، آمریکا و اسرائیل را تأمین می‌کند، هم‌گام و هم‌نوا با آمریکا در پیاده کردن این طرح است. به عنوان مثال، اسرائیل با حضور در کشورهای اشغال شده افغانستان و عراق و سعی در توسعه روابط اقتصادی با کشورهای منطقه، بستن قراردادهای نفتی و مهم‌تر از همه، کشتار وحشیانه مردم مظلوم فلسطین که مدافع حق مشروع خود (آزادسازی فلسطین) هستند، در قالب مبارزه با تروریسم، آمریکا را یاری نموده و تمام توان تبلیغاتی و عملی خود را بسیج و هماهنگ با آمریکا کرده است (استراتژی صهیونیسم...، ۱۳۶۳: ۱۰۹).

همواره از هدف‌های آمریکا، دستیابی آسان به نفت و گاز فراوان و ارزان خاورمیانه و جذب دلارهای نفتی از طریق افزایش صادرات کالا به کشورهای نفت خیز و کنترل قدرت‌های دیگر است و این امر زمانی تحقق پیدا می‌کند که موجودیت اسرائیل حفظ و تقویت شود، زیرا اسرائیل ابزاری مطمئن برای تأمین منافع غرب و آمریکا در منطقه به شمار می‌رود، در حالی که بقای اسرائیل هم بدون حمایت‌های غرب و آمریکا ممکن نیست. پس، اسرائیل با اجرای سیاست‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود در منطقه خاورمیانه، یک تهدید بالفعل برای کشورهای منطقه می‌باشد. اسرائیل در پروژه خاورمیانه بزرگ، در پی آن است که کشورهای مسلمان و عربی دست‌نشانده آمریکا، برای حفظ امنیت و موجودیت خود دست به دامان آمریکا باشند و حفظ تخت حکومتی خود را در گرو پیروی از سیاست‌های آمریکا بدانند؛ این خود کمک بزرگی است برای دستیابی به اجرای هرچه سریع‌تر طرح آمریکا و سلطه بر خاورمیانه. هم‌چنین، از بین بردن اسلام‌گرایی و از میان برداشتن تهدید علیه غرب و آمریکا، در گرو تحقق این پدیده است (همان).

نتیجه: تناقض‌ها و ابهام‌های طرح

تناقضات و ابهامات فراوانی در طرح آمریکا درباره خاورمیانه، هم به لحاظ نظری و هم در عمل به چشم می‌خورد. این پارادوکس‌ها و مشکلات فراروی، برای طراحان آمریکایی نیز شناخته شده‌اند و آنان تلاش دارند تا چنین فرآیند پرتلاطمی را از طریق محک زدن هر دو مورد مشخص زیر و با استفاده از کلیه امکانات موجود در صحنه و براساس باور و اعتقاد به حس مسئولیت تاریخی، به پیش ببرند. مهم‌ترین ابهام‌های این نمودار عبارت‌اند از:

۱ - گسترش آزادی (در مفهوم عام آن) با به کارگیری روش‌های غیردموکراتیک ممکن نیست؟! (دموکراسی آمریکایی، ...، ۱۳۸۳: ۶۹).

۲ - القای آزادی به عنوان ضرورت سازوکار دموکراسی از خارج و بدون توجه به بافت بومی جوامع خاورمیانه، به نتیجه نمی‌انجامد؟!

به دیگر بیان، جلب حمایت عمومی و متقاعد کردن ملت‌ها با شیوه‌های غیردموکراتیک و اقتدارگرا (هژمونیک) چگونه امکان‌پذیر است؟!

گریز از نفرت رو به تزاید عمومی در منطقه نسبت به اهداف آمریکا با استمرار و گسترش حضور نظامی این کشور در منطقه چگونه سازگار می‌شود؟!

جنگ جدید آمریکا در منطقه که انگیزه‌های قومی مذهبی (صلیبی) نیز دارد، چگونه می‌تواند به نظام‌های مبتنی بر جدایی دین (اسلام) از سیاست در خاورمیانه بزرگ کمک نموده و ضمن جلوگیری از جنگ تمدن‌ها، لیبرال دموکراسی انگلوسا کسونی را تشویق و توسعه دهد؟!

چگونه می‌توان اصلاحات داخلی کشورهای خاورمیانه را با ثبات سیاسی منطقه سازگار کرد؟! (همان).

چگونه می‌توان از سقوط رژیم‌های هم‌پیمان آمریکا در فرآیند جنگ پیشگیرانه یا جنگ علیه تروریسم، جلوگیری کرد؟!

وعده‌ها و طرح‌های اقتصادی، مالی و اجتماعی آمریکا تا چه حد قادرند ملت‌های متنفر از حضور آمریکا در منطقه را که اغلب آن‌ها در آغاز راه تجربه فرآیند بنیادگرایی دینی‌اند، متقاعد و همراه نمایند؟!

به‌رغم تناقض‌ها و ابهام‌های متعدد فوق که در طرح آمریکا درباره خاورمیانه بزرگ، وجود دارد، در خصوص رویکرد امنیتی به قدرت هژمونیک واشنگتن که مورد توجه اغلب ناظران و حتی طراحان آمریکایی قرار گرفته است این سؤال اساسی مطرح است که: برای ایجاد ثبات دراز مدت در خاورمیانه

بزرگ، چه سطحی از درگیری آمریکا در این منطقه لازم است؟ و آیا آمریکا قادر است در سطح گسترده و طولانی مدت متناسب با اهداف کلان خود در خاورمیانه درگیر بماند؟ عناصر اصلی رویکرد هژمونیک حضور در عراق و روی کار آوردن نظام مطلوب در آن کشور، در تنگنا قرار دادن سوریه و اعمال فشار و حرکت ایذایی علیه ایران، خروج نیروهایش از عربستان سعودی، دور شدن از نقش به ظاهر میانجی در قضیه فلسطین و تغییر و تعدیل رژیم‌های عربی، همگی نمی‌تواند در قالب یک استراتژی منسجم گنجانده شود؟ آمریکا تا کی و تا کجا می‌تواند به هزینه کردن منابع انسانی، مالی و سیاسی در خاورمیانه ادامه دهد و اقدامات مستقیم و غیرمستقیم سایر بازیگران عمده بین‌المللی را خنثا و بعضاً آنها را با خود همراه نماید؟ ارزیابی دقیق این موضوعات و پاسخ واقع‌بینانه و روشن به این سؤالات کلیدی وضعیت مهم خاورمیانه بزرگ را بهتر از گذشته در افق دید قرار خواهد داد (همان و گزارش پژوهشی...، ۱۳۸۱: ۲۱).

منابع و مأخذ

- ۱- «استراتژی خاورمیانه بزرگ یا جنگی تازه برای مقابله با اسلام»، ماه‌نامه تحلیلی هدایت، شماره ۳۵، اردیبهشت ۱۳۸۳.
- ۲- استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای هم‌جوار آن، تهران، هدی، ۱۳۶۳.
- ۳- «پاییز خطرناک: سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه»، ماه‌نامه تحلیلی هدایت، شماره ۸، اسفند ۱۳۸۰.
- ۴- پیشینه و مؤلفه‌های طرح خاورمیانه بزرگ»، ماه‌نامه چشم‌انداز، شماره ۱۴، آبان ۱۳۸۳.
- ۵- «خاورمیانه بزرگ: زمینه‌ها و هدف‌ها»، ماه‌نامه تحلیلی هدایت، شماره ۴۵، اسفند ۱۳۸۳.
- ۶- «خاورمیانه بزرگ و امنیت ایران»، ماه‌نامه بازتاب، شماره ۳۴، ۲۹ دی ۱۳۸۳.
- ۷- «دموکراسی آمریکایی و خاورمیانه بزرگ»، ماه‌نامه تحلیلی هدایت، شماره ۳۹، مرداد ۱۳۸۳.
- ۸- روزنامه شرق، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۸۳.
- ۹- «رویکرد مشترک به مسأله خاورمیانه بزرگ: پیامد اجلاس گروه هشت»، ماه‌نامه تحلیلی هدایت، شماره ۳۹ (شهریور ۱۳۸۳) ۷۸.
- ۱۰- سلمان‌زاده، محمد، «مبانی صهیونیسم و شناخت آن»، خلاصه مقالات همایش بین‌المللی انتفاضه، مرداد ۱۳۸۲.
- ۱۱- شیروودی، مرتضی، فلسطین و صهیونیسم، قم، تحسین، ۱۳۸۳.

- ۱۲- «طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا: ملزومات و پیامدها»، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۶۵، دی ۱۳۸۳.
- ۱۳- «طرح خاورمیانه بزرگ‌تر»، نشریه ابرار، شمار ۱۷، آذر ۱۳۸۳.
- ۱۴- عبدالحمیدی، مسعود، «آمریکا، اسرائیل و مدل‌های رفتاری مشابه»، پگاه حوزه، شماره ۱۴۴، ۱۱ مهر ۱۳۸۳.
- ۱۵- عترسی، طلال، «مسابقه آمریکا و اروپا برای اصلاح جهان عرب»، پگاه حوزه، شماره ۱۳۴، ۱۶ خرداد ۱۳۸۳.
- ۱۶- علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ تاریخی سیاسی ایران و خاورمیانه، تهران، چاپخش، ۱۳۸۰.
- ۱۷- علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، قومس، ۱۳۸۳.
- ۱۸- قلی‌پور، منصوره، بوش و اصلاحات خاورمیانه، پگاه حوزه، شماره ۱۳۶، ۳۰ خرداد ۱۳۸۳.
- ۱۹- کاستلز، امانوئل، عصر اطلاعات، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، سفیر، ۱۳۸۱.
- ۲۰- «گزارش پژوهشی منابع ستیز در خاورمیانه بزرگ» تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
- ۲۱- وعیدی، سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا، (مصاحبه)، فصل‌نامه مطالعات سیاسی، بهار ۱۳۸۳.
- ۲۲- همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۶، ۱۹ دی ۱۳۸۳.

